

## فرمانروایی دیوجانس و اسارت اسکندر

۱۵ اسفند ۱۳۹۴ ساعت ۱۰:۵۲

ای شاه! من دو بنده حلقه به گوش دارم که آن دو، تو را امیرند . تو بنده بندگان منی

جوان و تاریخ: روزی اسکندر مقدونی، نزد دیوجانس آمد تا با او گفت و گو کند. دیوجانس که مردی خلوت گزیده و عارف مسلک بود، اسکندر را آن چنان که او توقع داشت، احترام نکرد و وقعی ننهاد . اسکندر از این برخورد و مواجهه دیوجانس ، برآشفت و گفت : این چه رفتاری است که تو با ما داری؟  
آیا گمان کرده ای که از ما بی نیازی ؟  
آری ، بی نیازم .

تو را بی نیاز نمی بینم . بر خاک نشسته ای و سقف خانه ات ، آسمان است . از من چیزی بخواه تا تو را بدهم .  
ای شاه! من دو بنده حلقه به گوش دارم که آن دو، تو را امیرند . تو بنده بندگان منی .  
آن بندگان تو که بر من امیرند، چه کسانی اند؟  
خشم و شهوت. من آن دو را رام خود کرده ام ؛ حال آن که آن دو بر تو امیرند و تو را به هر سو که بخواهند می کشند.  
برو آن جا که تو را فرمان می برند؛ نه این جا که فرمانبری زبون و خواری.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۲۰۹۲/فرمانروایی-دیوجانس-اسارت-اسکندر>